



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FT

اسرائیل ترجیح می‌دهد وارد رویارویی پرهزینه با ایران نشود

فایننشال تایمز در مطلبی به قلم امیل هوکام، مدیر امنیت منطقه‌ای در مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک نوشت: «در خاورمیانه، جنگ‌ها در داخل مرزهای کشورها باقی نمی‌مانند. احساسات و آندوه‌های موجود، مداخله خارجی، فقدان یک فرآیند امنیتی منطقه‌ای و ضعف مداوم دیپلماسی محلی در کنار هم قرار می‌گیرند و احتمال سرایت درگیری به سایر نقاط را بیشتر می‌کنند.» به گزارش انتخاب، در ادامه این مطلب آمده است: بیست سال پیش، تهاجم غرب به عراق، توازن منطقه‌ای را به نفع ایران برهم زد و دوران جدیدی از جهادگرایی فراملی را آغاز کرد. یک دهه پیش، سوریه وارد یک جنگ داخلی ویرانگر شد که قدرت‌های بزرگ و جنگجویان افراطی را به خود جذب کرد. در ماه‌های گذشته، فراتر از تلفات انسانی عظیم فلسطینی‌ها، پیامدهای منطقه‌ای جنگ جاری غزه احتمالاً به همان اندازه مهم خواهد بود. قرار دادن اجباری فلسطین در دستور کار منطقه‌ای یکی از اهداف متعدد حماس بود که در ۷ اکتبر حمله خود را در اسرائیل آغاز کرد. تنها چند روز بعد، به لطف فشار ایالات متحده، از حمله گسترده اسرائیل به حزب الله لبنان جلوگیری شد. از آن زمان، سوریه، لبنان و یمن، هم به هدف و هم به سکوی پرتاب تبدیل شده‌اند. شگفت‌انگیزترین رخداد ژئوپلیتیکی، موفقیت حوثی‌ها در ایجاد اختلال در ترافیک دریایی در تنگه باب‌المندب است. ۱۰ روز گذشته نشان می‌دهد که منطقه چقدر به لبه پرتگاه نزدیک است. قتل افرادی از جمله فرمانده ارتش ایرانی در سوریه و معاون رهبر سیاسی حماس در لبنان توسط اسرائیل و ترور یک فرمانده ارتش عراقی مورد حمایت ایران توسط آمریکا صورت گرفته است. حرکت آشکار به سمت اقدامی به رهبری ایالات متحده علیه حوثی‌ها در یمن نیز می‌تواند نشانه‌ای از افزایش تنش‌ها باشد. نگاهی به جنگ سال ۲۰۰۶ بین اسرائیل و حزب الله، و ترورهای قبلی ایالات متحده و اسرائیل علیه رهبران مهمتر حماس، حزب الله و ایران، باعث می‌شود نفس راحتی بکشیم، چون این رخدادها باعث نشد که ایران و حزب الله منازعه بزرگتری را کلید بزنند. اما تفاوت فعلی، زمینه، دامنه، سرعت و ادراک ماجراست. اکنون چهره‌های ارشد بیشتری کشته شده‌اند و حملات مهم دیگری در مناطق بیشتری در یک دوره کوتاه رخ داده است. در همین حال، حمله اسرائیل به غزه ادامه دارد و مردم منطقه را به ستیز با این دولت می‌اندازد. ایران و اسرائیل تصمیم خواهند گرفت که این درگیری به جنگی همه‌جانبه تبدیل شود یا قابلی برای نفوذ منطقه‌ای باقی بماند. در حالی که تهران نگران از بین رفتن اعتبار و قدرت بازدارندگی خود است، اما همچنان معتقد است اهداف نهایی اش، از طریق مرگ با هزار ضربه چاقو بهتر محقق می‌شود تا رویارویی پرهزینه. در عوض، شکرکای منطقه‌ای ایران از مناقشه برای تقویت مواضع داخلی خود و تأکید بر مقاومت خود در برابر امپریالیسم غرب استفاده می‌کنند. شمارش معکوس برای پایان حضور آمریکا در سوریه و عراق آغاز شده است. یک دولت قوی در لبنان قادر به تشکیل نیست، چه برسد به محدود کردن رفتار حزب الله. مهمتر از همه، اسرائیل آسیب‌دیده، آستانه تحمل بیشتری از خود برای خطر کردن و بی‌رحمی بسیار بالاتری از آنچه مقامات غربی انتظار داشتند از خود نشان داده است. شکست نظامی حماس یک هدف دست‌یافتنی از طریق صوری بود. در عوض، اسرائیل اهداف گسترده‌تری را بیان کرده و شیوه‌های نظامی‌ای را در پیش گرفته که فاجعه‌ای بشردوستانه ایجاد کرده و دورنمای شکست استراتژیک را افزایش داده است. در حالی که حماس به دنبال انتقام‌جویی است، این گروه اما با زمان بازی می‌کند تا در نبرد روایت‌ها پیروز شود. با این حال، قریب‌الوقوع‌ترین خطر، شاید انفجار ناگهانی خشونت در سراسر منطقه نباشد، بلکه عادی‌سازی آهسته برای جهانیان و حساسیت‌زدایی نسبت به آن چیزی است در سطح بالا و غیرقابل قبول خشونت و بدبختی انسانی است. جنگ غزه یادآور این است که درگیری‌ها را نمی‌توان متوقف کرد و نادیده گرفت. همانطور که در چند دهه گذشته به طرز دردناکی آشکار شده است، نمی‌توان آنها را صرفاً در میدان جنگ به دست آورد. آنها باید به‌طور منصفانه حل شوند، هر چند انجام این کار پیچیده و خسته‌کننده باشد.

رنگ باختن گفتمان حمایت از اسرائیل

از آغاز حمله اسرائیل به غزه روایت‌های کشورهای غربی در دفاع از اسرائیل در کشورهای خاورمیانه خریداری ندارد

همه چیز تغییر کرده است. دهه‌ها روایت‌گری غربی‌ها که برای بهره‌برداری از تفاوت‌ها در سراسر غرب آسیا، ایجاد نزاع در میان جوامع منطقه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی غرب در خاورمیانه منتشر شده بود، به یک باره رنگ باخت. به نظر می‌رسد جنگ غزه حفره‌ای بزرگ را در ساختار این افسانه‌ها و دروغ‌ها ایجاد کرده است. «شیعه در مقابل سنی»، «ایران در مقابل اعراب»، «سکولاریسم در مقابل اسلام‌گرایی»، «اینها سه مورد از اصلی‌ترین ترفندهای روایی غرب هستند که هدف از استفاده‌شان کنترل و تغییر جهت دادن منطقه و جوامع آن بود و حتی حاکمان عرب را نیز به اتحاد با اسرائیل کشاند.

The
Cradle.co

واقعیات بر ضد داستان‌سرای

برای ره‌اشدن توده‌های جوامع خاورمیانه از اغواگری‌های این روایت‌ها، ظاهراً یک درگیری نظامی نظیر حمله اسرائیل به غزه، که فراتر از توانایی کنترل واشنگتن است، لازم بود. حمله اسرائیل به غزه همچنین این ابهام را که کدام جوامع عرب و مسلمان واقعاً از آزادی فلسطین حمایت می‌کنند و کدام‌ها حمایت نمی‌کنند، روشن کرد. ایران، حزب الله، نیروهای مقاومت عراق و انصارالله یمن - که همواره طبق روایت‌های غربی از آنها بدگویی شده - اکنون به‌وضوح تنها بازیگران منطقه‌ای هستند که آماده حمایت از غزه هستند؛ چه از طریق منابع مالی و تسلیحاتی و چه درگیری‌های دقیق که هدف‌شان تضعیف و پراکنده کردن منابع نظامی اسرائیل است.

اعراب به اصطلاح میانه‌رو، که همواره در راستای منافع واشنگتن در منطقه حرکت کرده‌اند، کاری بیشتر از سخن‌پراکنی در خصوص قتل عام در غزه نکرده‌اند. سعودی‌ها با میزبانی اجلاس‌های عربی و اسلامی عملاً اقدام خاصی نکردند و صرفاً به‌طور شفاهی خواستار حمایت از فلسطین شدند. اماراتی‌ها و اردنی‌ها کالاهایی را از طریق دریا به اسرائیل حمل می‌کردند؛ پس از اقدامات یمنی‌ها در دریای سرخ، از طریق زمین روانه اسرائیل کردند. مصر به‌عنوان یک کشور قدرتمند عربی که میزبان هیئت‌هایی از هر دو سو بود، تنها کاری که باید انجام می‌داد این بود که گذرگاه رفح را باز کند تا فلسطینی‌ها بتوانند غذا تهیه کنند اما این کار را آنطور که باید انجام نداد. قطر - که زمانی یکی از حامیان اصلی حماس بود - اکنون برای آزادی اسرای اسرائیلی مذاکره می‌کند. تجارت ترکیه با اسرائیل همچنان افزایش می‌یابد و صادرات ترکیه به اسرائیل از ماه نوامبر تا دسامبر سال گذشته، ۳۵ درصد افزایش داشته است. فلسطین، برای «عرب‌های میانه‌رو» حامی منافع غرب، پرچمی است که با دقت به کار گرفته می‌شود و گهگاه به اهتزاز درمی‌آید. اما این کشورها در پی پرده، خرابکاری می‌کنند. آن‌ها امروز، متحبر و وحشت‌زده، آنچه را که رسانه‌های اجتماعی و ده‌ها میلیون معترض به وضوح بیان کرده‌اند، تماشای می‌کنند. افکار عمومی نشان داده است که فلسطین همچنان آرمان اصلی اعراب و مسلمانان است. ممکن است این آرمان گاهی فروکش کند، اما هیچ چیز مانند این مبارزه خاص قدرت تحریک توده‌های منطقه را ندارد.

هنوز روزهای اولیه نبرد است اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که احساسات عمومی به سمت طرف ضداسرائیلی تغییر کرده است. نظرسنجی Barometer عربی که در یک دوره شش‌هفته‌ای انجام شد - سه هفته قبل و سه هفته پس از عملیات طوفان الاقصی - اولین نشانه از تغییر ادراک افکار عمومی اعراب را ارائه می‌دهد. اگر چه این نظرسنجی محدود به تونس بود اما کسانی که این نظرسنجی را انجام داده‌اند، استدلال می‌کنند «افکار عمومی تونس تا حد زیادی به افکار عمومی منطقه نزدیک است و می‌تواند تصویرگر دیدگاه مشابه دیگر کشورهای عربی نیز باشد.» بنابراین تحلیلگران و مقامات می‌توانند با خیال راحت تصور کنند که دیدگاه مردم در سایر نقاط منطقه به روشی مشابه با تغییرات اخیر که در تونس رخ داده، تغییر کرده است. افزایش رتبه ایران نتایج نظرسنجی باید برای سیاست‌گذاران غربی هم مهم باشد: «از ۷ اکتبر، هر کشوری که در نظرسنجی دارای روابط مثبت یا گرم با اسرائیل بود، شاهد کاهش رتبه‌بندی مطلوب خود در میان تونسی‌ها بود.» ایالات متحده شاهد بیشترین کاهش محبوبیت بود و پس از آن، کشورهای غرب آسیا که روابط خود را با اسرائیل عادی کرده‌اند، قرار گرفتند. روسیه و چین، که دو کشور بی‌طرف بودند، تغییرات کمی را در رتبه خود داشتند اما ایران شاهد افزایش رتبه خود در میان افکار عمومی جوامع عرب بود. سه هفته پس از عملیات طوفان الاقصی، رهبر ایران، رتبه محبوبیتی داشت که با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی و محمد بن‌زاید، رئیس‌جمهور امارات، مطابقت دارد یا حتی از آن فراتر رفته است. «قبل از ۷ اکتبر، تنها ۲۹ درصد تونسی دیدگاه مثبتی نسبت به سیاست‌های خارجی ایران داشتند. براساس نتایج این نظرسنجی، این رقم به ۴۱ درصد افزایش یافت و حمایت تونس در روزهای پس از سخنان رهبر ایران در ۱۷ اکتبر که طی آن اقدامات اسرائیل در غزه را «نسل‌کشی» خواند، قابل توجه بود.

تغییر رتبه عربستان

قبل از عملیات ۷ اکتبر مقاومت فلسطین که برای نابودی ارتش اسرائیل و گرفتن اسیر به عنوان اهرمی برای مبادله جمعی با اسرای فلسطینی، انجام شد، تمرکز اصلی ژئوپلیتیکی منطقه بر چشم‌انداز توافق عادی‌سازی عربستان با تل‌آویو بود. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، این طرح را در هر فرصتی که پیش می‌آمد، به پیش می‌راند. برخی معتقد بودند عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل، کارت تعیین‌کننده بایدن در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۴ است. اما عملیات طوفان الاقصی هر فرصتی را برای عربستان سعودی - خانه مقدس‌ترین اماکن اسلام - برای امضای این توافق سیاسی از بین